



پای صحبت امیر حاجرضایی
کارشناس فوتبال

این بار تفسیر زندگی

بازی کردم و کم‌کم باشگاهی شدم و بدین ترتیب پلکانی جلو رفتم.

■ **شیرین‌ترین خاطره دوران ورزشی تان چیست؟**

انتخاب شدن برای مربیگری تیم ملی کشور و سرمربیگری تیم ملی جوانان کشور. همیشه دوست داشتم پیراهن تیم ملی را که روی سینه‌اش نام ایران خورده بود، به تن کنم.

■ **برای فوتبال چه تعریفی دارید؟**

فوتبال برای من همه چیز است. یعنی برای من خورشید با فوتبال طلوع و غروب می‌کند. همین‌طور فکر کردن، نوشتن، حرف زدن و تحلیل فوتبال. همه این‌ها دنیای مرا تشکیل می‌دهند. در واقع، خلأهای زندگی مرا فوتبال پر می‌کند. در حدود ده دوازده سال پیش، برای من حوادث بدی اتفاق افتاد و یکی دو نفر از اعضای خانواده‌ام از دنیا رفتند. ولی من از خدا به فوتبال پناه بردم و فوتبال زندگی مرا پر کرد. باید بگویم فوتبال برای من زندگی است.

■ **آموزش و تحصیلات چه نقشی در ورزش حرفه‌ای دارد؟**

بسیار مهم است، اما همه‌اش هم این نیست. بهتر است انسان تک‌بعدی نباشد. من با تک‌بعدی بودن موافق نیستم. تک‌بعدی نبودن دقیقاً مانند این است که فوتبالیست بتواند در چند پست بازی کند. چنین بازیکنی همیشه مورد نیاز

■ **علاقه و عشق به فوتبال در شما از چه زمانی و چگونه آغاز شد؟**

من در جنوب شهر تهران در خیابان خراسان به دنیا آمدم و آنجا زندگی می‌کردم. در آن دوران در اطراف محل زندگی ما زمین‌های بایر و خاکی زیاد بود. ما هم ابتدا در کوچه فوتبال بازی می‌کردیم و بعد از آن پایمان به این زمین‌های خاکی کشیده شد.

من دو ورزش را فوق‌العاده دوست داشتم: یکی کشتی و دیگری فوتبال. از گذشته هم همواره تماشاگر حرفه‌ای کشتی بوده‌ام. همین‌طور باید به شما بگویم، ما هم مثل سایر بچه‌ها در شرایط نازل رفاهی فوتبال بازی می‌کردیم و رفته رفته فوتبال بازی کردن ما ادامه پیدا کرد تا این لحظه که در خدمت شما هستیم.

■ **از چه زمانی وارد ورزش حرفه‌ای شدید؟**

حدود ۱۶ سالم بود که در زمین‌های خاکی فوتبال بازی می‌کردم. در آن زمان شخصیتی در فوتبالمان داشتیم به نام آقای منصور امیرآصفی که اکنون در قید حیات نیست و بعدها در المپیک ۱۹۶۴ کاپیتان تیم ملی ایران شد. ایشان باشگاه کوچکی در میدان خراسان به نام «کیان» را اداره می‌کرد. یک روز در کوچه بازی مرا دید و گفت دوست داری بیایی در زمین چمن بازی کنی؟ گفتم چرا که نه و از آن تاریخ زیر نظر ایشان فوتبال

امیر حاجرضایی امروزه جزو معدود کارشناسان فوتبال در ایران است که با توانایی و تسلط فراوان روی مباحث مختلف فوتبال، می‌تواند علاقه‌مندان تفسیر و تحلیل این ورزش را مجذوب خود کند.

حاجرضایی در تیم‌های مختلف به‌عنوان بازیکن حضور داشته است. او پس از اینکه دوران بازیکنی‌اش به پایان رسید به مربیگری پرداخت و از اولین کسانی که است که از کلاس‌های مربیگری فیفا در ایران فارغ‌التحصیل شدند و تاکنون در تیم‌های گوناگون به‌عنوان سرمربی حضور داشته است. حاجرضایی زمانی در تیم ملی ایران به‌عنوان مربی در کنار علی پروین روی نیمکت نشسته و سه بار هم مربی تیم ملی جوانان ایران بوده است.

از مهم‌ترین خصوصیات او که زبانزد همه است ادب بالا و سواد فراوان در حوزه‌های متفاوت است. حاجرضایی میانه بسیار خوبی با سینما و ادبیات دارد. او یک کتابخوان حرفه‌ای است و آثار نویسندگان مختلف ایران و جهان را پیگیری می‌کند و سعی‌اش بر این است که در تحلیل‌ها و تفسیرهایش از فوتبال، پلی نیز به ادبیات و سینما بزند و از بزرگان این عرصه‌ها نقل قول کند. در این شماره پای صحبت‌های مرد با مرام فوتبال کشورمان نشسته‌ایم.

وارد این حوزه شود، باید به زبان انگلیسی مسلط باشد. البته آشنایی با زبان انگلیسی به تنهایی کافی نیست و مدرک دانشگاهی‌اش هم حداقل باید لیسانس باشد. این شرایط باعث می‌شود، کسی که پا در دنیای مربیگری می‌گذارد، اگر شرایطش را داشت بتواند در هر کشور دنیا مربیگری کند. کسی که می‌خواهد وارد دنیای مربیگری شود، باید تا می‌تواند مطالعه کند و سطح اطلاعات و معلوماتش را بالا ببرد.

کسانی که می‌خواهند پیشرفت کنند و به قله برسند، باید بسیار تلاش کنند. وقتی شخص در زمینه‌های متفاوت توانمند شد، برای رسیدن به هدف راه‌های فراوان‌تری پیش پای او قرار می‌گیرند.

■ میانه‌تان با کتاب چطور است؟

من کتاب خواندن را خیلی دوست دارم. دنیای کتاب دنیای بسیار زیبایی است و باید بگویم فوتبال، سینما و کتاب مهم‌ترین علاقه‌مندی‌های من در زندگی هستند.

■ از چه چیزی بیشتر از همه آزار

می‌بینید و ناراحت می‌شوید؟

از تظاهر و دروغ گفتن، قربانی کردن اشخاص برای حفظ جایگاهشان. همه این‌ها زیرمجموعه بی‌تعهدی اخلاقی نسبت به جامعه جای می‌گیرند.

مهربان باشند. به‌طور کلی نوع پوشش و رفتار ورزشکاران شناخته شده الگو قرار می‌گیرد. با اینکه نمی‌توان به‌طور تام گفت که الگو هستند، اما بخشی از الگوسازی جامعه بر عهده ورزشکاران است.

■ خانواده برای شما چه تعریفی دارد؟
خانواده برای من بهترین موهبت خداوند است و خانواده را قربانی هیچ چیزی نخواهم کرد.

■ به کسانی که دوست دارند وارد دنیای ورزش شوند، چه به‌عنوان مربی و چه به‌عنوان بازیکن چه پیشنهاد و توصیه‌ای دارید؟

این سؤال دو بخش دارد: یکی در زمینه بازیکنی و دیگری مربیگری.

در زمینه بازیکنی باید بگویم، انتخاب‌های موجود در راه جوان یا نوجوان خیلی اهمیت دارند. نوجوان به تنهایی نمی‌تواند انتخاب کند و باید در مسیر انتخاب بزرگ‌تری او را راهنمایی کند. مثلاً سردار آزمون چیزی حدود ۹۰ درصد از موفقیتش را مدیون پدرش است که زندگی‌اش را در راه سرفرازی پسرش گذاشت و فرزندش را رها نکرد. من به کسانی که می‌خواهند وارد دنیای ورزش شوند، توصیه می‌کنم، حتماً مشاور و راهنمای خوبی داشته باشند.

در بخش مربیگری کسی که می‌خواهد

مربی است و مربی و تیم هیچ‌وقت او را رها نمی‌کنند. به‌طور کلی آدم‌های چندمنظوره در حوزه‌های مختلف موفق‌تر هستند.

■ مدرسه چه سهمی می‌تواند در ورزش برای دانش‌آموزان ایفا کنند؟

آموزش و پرورش یکی از ارکان اصلی و مبلغ و پیش‌برنده ورزش و مشوق بچه‌هایی است که آرزومندند، در آینده ورزشکاران بزرگی شوند.

■ ورزشکار خوب از نظر اخلاقی باید چه خصوصیتی داشته باشد؟

نمی‌خواهم شعاری صحبت کنم. در واقع باید بگویم، تعهد و مسئولیت نسبت به ورزشی که انجام می‌دهد، مهم‌ترین خصوصیت هر ورزشکار باید باشد. به‌خصوص وقتی وارد ورزش قهرمانی می‌شود، دایره مسئولیت‌پذیری و تعهدش گسترده‌تر هم می‌شود. اگر ورزشکاری این خصوصیات را داشته باشد، مسیر برایش هموارتر هم می‌شود.

■ آیا ورزشکار باید به الگو تبدیل شود؟

الگوها مختلف هستند، اما ورزشکاری که شناخته می‌شود و حرفه‌ای است، با گفتار و رفتارش می‌تواند الگوی جامعه شود. این ورزشکاران وقتی شناخته شده هستند و وارد جامعه می‌شوند، باید با مردم

زندگی فوتبالی

چرا فوتبال این همه طرفدار دارد؟ جواب در شباهت زیاد فوتبال و زندگی است. زندگی هم مانند فوتبال، یک بازی با قواعدی تقریباً مشخص است، قوانینی که رعایت آن‌ها لازم است. اما نمی‌تواند تضمینی صددرصد برای موفقیت باشد و چه بسا آن‌ها که قواعد موجود را شکسته‌اند، نتایج بهتری گرفته‌اند.

خطا کردن و جریمه شدن از جمله شباهت‌های فوتبال و زندگی است. در فوتبال می‌توان خطا کرد اما باید تاوان آن را هم پس داد. جریمه‌ها گاهی آن قدر سختند که منجر به اخراج شما از بازی می‌شوند. در زندگی هم مانند فوتبال بعضی‌ها بدون آنکه در اشتباه شما سهیم باشند، باید در پیامدهایش شریک شوند و این زندگی را دردناک می‌کند. سرنشینان یک اتومبیل گاهی در اثر

خطای راننده به کام مرگ می‌روند و هیچ‌گاه بر کسی روشن نخواهد شد که چرا تاوان اشتباه یکی

را جمعی دیگر باید بپردازند؟ همین دردناکی است که بارها سبب شده بر یک زندگی غم‌انگیز

و یک شکست تلخ در بازی فوتبال به راحتی اشک بریزیم و دل بسوزانیم. فوتبال بازی

جمعی است و فرد هر چقدر هم که توانایی‌هایش بالا باشد، بدون کمک دیگران نمی‌تواند

به نتایج خوبی برسد، نمونه‌اش هم تیم‌هایی در تاریخ فوتبال بوده‌اند که با وجود دارا بودن

بازی‌کنان بزرگ و ستاره‌های نام آشنا، نتوانسته‌اند به نتایج چشم‌گیری دست پیدا کنند.

در زندگی هم به‌طور معمول انسان‌های خود رأی که به نظر جمعی و تجربیات دیگران در

تصمیماتشان بی‌توجه بوده‌اند، به موفقیت‌های کمتری دست یافته‌اند.

